

### درباب بالشویکها

نهم ماه اگست خبر رسید به قرب چهارصد نفر بالشویک بادو پراخوت و شش عراده توپ در عشوراده توقف داشتند. خوراک آنها گوشت خوک بوده اکثر مریض و بی‌آنوقه بودند. می‌خواستند از قراسو بیرون آمده از راه رود گرگان به سمت عشق‌آباد رفته ملحق به آن بالشویکها بشوند. از قرار مذکور دو پراخوت جنگی انگلیسها بادو عدد بالان ۱۰۲ از خط گیلان آمده به فاصله شش ساعت چهارصد نفر بالشویک را متفرق ساخته، یک‌عده را با پراخوت دستگیر نموده، بعضی فرار [کرده] و برخی مقتول شده رفتند. یک پراخوت را چند نفر بالشویک با جواهرات زیادی به سمت شهسوار فرار می‌نمایند.

### درباب خبر

۱۲ ماه مذکور از گنبد قابوس خبر می‌دهند جمعی از تجار و کسبه عشق‌آباد برای شرارت بالشویکها سیصد نفر شتر کرایه کرده با اموال و مال التجاره از راه قاری قلعه به سمت کردستان عازم هجرت می‌نمایند. از چنگ بالشویکها نجات یافته دچار تراکمه می‌شوند. تراکمه تمام آنها را لخت و غارت کرده بعضی پیاده به سمت بجنورد و قوچان فرار می‌نمایند. تاجه شود.

### درباب قتل

۱۴ ماه اگست خبر رسید یک نفر قزاق در بندر جز مریض و سیدهم بوده صاحب منصب به او تغییر کرده چرا در مشق حاضر ۱۰۳ نمی‌شوی. سید قزاق تعصب ورزیده خود را باشلول زده به قتل می‌رساند. تاجه بوده است.

### درباب باران

دوماه زیاده بود باران نیامده هوا بسیار سخت و گرم شده مرض محرقه از سال وبائی در استرآباد شدیدتر، چشمه‌سارها خشک و نابود، عمل زراعت بکلی ضایع بود. خداوند ترحم نمود شب پانزدهم ماه مذکور باران شدیدی آمده، تمام زراعت شلتوکی و کنجد سیراب شده، اهالی راحت شدند.

### درباب قزاقها

شازدهم ماه اگست قزاقها اظهار می‌دارند که در بروجرده یکصد نفر قزاق رامسموم نموده‌اند عده‌ای قزاق استرآباد و مازندران را به طهران احضار نموده‌اند. تاجه اقتضا کند.

### درباب قتل

هفدهم ماه مذکور خلیل‌نام خیاط از گنبد قابوس مراجعت به شهر نموده زیر حد

آق قلعه چهار فرسخی شمالی اورا تراکمه مقتول [کرده] و مقداری وجه داشته به غارت بردند.

## نمره ۲۵۵

۴ سپتمبر ۱۹۱۹

### درباب نواقل

به توسط سلطان حسین میرزا رئیس مالیه استرآباد عمارت آقامحمدخانی ۱۰۴ را تعمیر کافی نموده و حسب الامر ایالت اداره نواقل را مرتب [کرده] روزی پانزده تومان الی بیست تومان عایدی دارند. عجلتاً از وجوه نواقل سنگ فرش دروازه بسطام رامشغول می باشند. تاجه اقتضا کنند.

### درباب قتل زنی

شب بیست و یکم ماه اگست زن فاحشه را به قتل رسانیده بیرون دروازه شهر می اندازند. به قرب شصت تومان طلا همراه مقتوله بوده بردند. اداره نظمییه برادر و پسرهای مشارالیه را به اداره برده به مضمونیت ۱۰۵ توقیف نمودند.

### درباب فوت

ایضاً خبر رسید در شاهرود صبیبه جناب مشیرالدوله عیال امیر اعظم به سن هفده سالگی که دارای زبان انگلیسی و فرانسه و در عقل تکمیل بوده زمان وضع حمل بچه با داشتن قابله فرنگی بعد از تولد طفل فوت شد. جمعی را مهموم و مغموم نمودند.

### درباب قزاقها

مقدمه بالشویکهای عشوراده که بعد از آمدن بالان ۱۰۶ و پراخوت جنگی هیجده نفر فرار کرده بودند، پراخوت جنگی به یک توپ آن هیجده نفر فراری را از پای در آورده، قزاقها نزدیک بندر رفته آنها را دستگیر نموده از قراری که قزاقها را پرت می دهند بیست هزار تومان وجه نقد و طلا و سفید بود و یک جعبه جواهر، دو بیست قبضه تفنگ با چندین جعبه فشنگ تماماً را ضبط نمودند.

### درباب قتل

ایضاً تراکمه برای رفتن اعلیحضرت سلطان احمد شاه به دربار لندن بنای شرارت را

۱۰۴- اصل: آق محمدخان.

۱۰۵- اصل: مضمونیت.

۱۰۶- (صبالون).

گذارده مشغول تاخت و تاز شده‌اند. شب بیست و چهارم ماه مذکور درقریه حسین‌آباد سه‌فرسخی مشرقی يك نفر را به قتل می‌رسانند.

### درباب ورود

به عرض رفته بود والی‌زاده رئیس تلگراف سابق را مأمور تعمیر سیم خط راه مازندران است. بیست و هفتم ماه اگست اختصارالملك به ریاست تلگرافخانه از راه مازندران وارد [شد] نواب والا استقبال کرده بودند.

### درباب خبر

ایضاً خبر رسید يك عده از بالشویکهای فراری نزدیکی آمل دستگیر ژاندارمریها گردیده از قراری که خود ایشان اقرار [کرده] و به رئیس الوزراء هم راپرت داده تخمیناً دو کروور جواهرات و پول طلا و لیره و چندین رشته گلوبندهای مروارید را گرفته‌اند. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

غره ماه سپتمبر سوار جعفربائی زیر حدقریه محمدآباد يك فرسخی شمالی دونفر بچه دهقان را دستگیر کرده ببرند، يك نفر از رفتن با ایشان امتناع کرده سرش را با کارد مجروح نموده، يك نفر را بردند.

### درباب سرقت

شب سیم ماه مذکور تراکمه اتابائی سهرأس ورزا از قریه جعفرآباد نیم فرسخی شمالی شهر به سرقت بردند.

### درباب چپاول

چهارم ماه مذکور سیدمحمدخان طایفه قرنجیک ساکن گموش تپه در عوض يك رأس اسب و اجناس مسروقه که تا به حال ایالت مسترد نداشته باسی سوار به قریه کریم‌آباد نیم فرسخی شمالی آمده يك بلوک گاو قریه را چپاول کرده بردند.

## نمره ۲۱

۱۱ ماه سپتمبر ۱۹۱۹

### درباب خبر

پنجم ماه سپتمبر خبر رسید سید اسمعیل خان امیر مؤید به طهران رفته متحصن است.

لاکن پسرهایش در سواد کوه سنگر محکمی دارند که ارتفاع کوه سه فرسخ است و همیشه اوقات اسباب و لوازمات يك عده سوار را با آذوقه دو ساله در آنجا مهیا داشته. از قرار مذکور ایشان یاغی [اند] و اسلحه خود را هم به ژاندارمریها نخواهند داد. تا چه اقتضا کند.

#### درباب اسلحه

ایضاً در خاک مازندران آنچه اسلحه بود تماماً جمع آوری شده سوارهای امیر مؤید و کسانش که برای جنگ حاضرند.

#### درباب بالشویک

هفتم ماه مذکور خبر رسید شش نفر عثمانی بالباس بالشویکی وارد گموش تپه گردیده با عثمان آخوند و سایر تراکمه مذاکراتی [نموده] که فرقه بالشویک با اهالی ایران بی طرف بوده، چون يك عده بالشویک راقزاق و ژاندارم بی جهت قتل و غارت کرده عملاً قریب سی هزار بالشویک از راه قاری قلعه و چکشلر وارد می شوند که تقاص نمایند، هر يك از تراکمه که صاحب اسب و تفنگ باشند مساعدت کند روزی هزار منات به او حقوق داده می شود. و اکثر از تراکمه عقیده دارند هر دولت مقتدری که ما را سرکوب بوده باشد خدمت نمایند و این شش نفر دستوری به عثمان آخوند داده به سمت گنبد قابوس از آنجا به قاری قلعه خواهند رفت.

#### درباب تعرفه

سه روز است به تصویب ایالت جلیله در مسجد جامع صبح تا عصری جداً مشغول دادن تعرفه به اهالی می باشند و شخص حکومت هم نظارت ۱۰۷ داشته، تا کنون هشتصد تعرفه به اهالی شهر داده شده است. از تاریخ شاتر دهم ذی حجه رجوع به دهات و بلوکات خواهند کرد. لکن انتخاب کنندگان دو فرقه اند یکی به عنوان حاج شیخ حسین و کیل سابق است که حالیه در طهران است. فرقه دیگر به دستور معتمد الدوله به اسم سپهدار سردار منصور، و طرفین توی شهر تعرفه را هر عدد دو قران، سه قران می خرند. تا چه اقتضا کند.

#### درباب قزاقها

شب دهم ماه مذکور قزاقها مست بوده هفت تیر به دست يك نفر قزاق خورده مجروح است.

#### درباب قزاق

ایضاً در قزاقخانه طویله چوبی که ساخته بودند خراب شده، يك نفر قزاق با اسب

زیر هوا ۱۰۸ مانده است سقط شده قزاق هم مشرف بدموت است.

## نمره ۲۲

۱۸ سپتمبر ۱۹۱۹

### درباب تعرفه

به عرض رفته بود برای رأی و انتخاب وکیل دوفرقه شده‌اند. حمایت معتمدالدوله از سردار منصور ذهن اهالی را مشوب نموده است. چون سردار منصور پارتی دولت انگلیس است حکومت امر کرد به اسم او رأی بدهند. تجار استرآباد ضدیت کرده به اسم حاج شیخ حسین مردم را اغوا می‌نمایند. روز دوازدهم بعضی از تجار علناً به مردم می‌گفتند به حاج شیخ حسین رأی بدهید. ایالت از این حرکت تجار منزجر گردیده تغیر زیادی به حاج محمد رحیم و غیره و امر به اخراج بلد می‌نمایند. روز سیزدهم حاج مذکور را با کربلائی زکی بقال از شهر بیرون کرده، دوفرسخی مشرقی توقف بعد آقا میرزا مهدی مجتهد توسط کرده حاج محمد رحیم مراجعت به شهر نموده. کربلائی زکی به شاهرود رفتند.

### درباب عثمانها

اولاً آن يك نفر که در سابق معلم بوده رفته است. لاکن وضع حالید را به عرض می‌رساند. برای تحقیقات مطالب و کالت دوشب در طایفه اتابائی رفتیم. يك نفر ترکمان چارواکه از اترک کوچ کرده به سمت طایفه‌داز می‌آمد زیر حد رود گرگان يك دستگاه اتومبیل از گموش تپه کرایه نموده پانزده نفر بالشویک که نصف قفقازی و نصف عثمانی بوده به گنبد قابوس می‌رفتند. جمعی از بالشویکها در گموش تپه عثمان آخوند و ادریس آخوند را ملاقات کرده قراردادی می‌نمایند که يك پراخوت تفنگ و سه عراده توپ و لوازمات جنگ را از دریا به گموش تپه وارد نموده، پس از تجهیز سوارهای یدوتی از دریا و خاک اترک چهل هزار بالشویک وارد شده به اتفاق تراکمه همدست شده از راه خراسان به افغانستان ملحق [شده] از آنجا به هندوستان وارد شده اشغال نمایند. چند نفر تراکمه اتابائی که پارتی عثمان آخوند بوده قراردادی برای کشتن و کالت کرده بودند که بر علیه دولت انگلیس رفتار نمایند. يك نفر ترکمان از دوستان بوده ایشان را منع کرده با احتیاط مراجعت به شهر نمودم.

### درباب چپاول

ایضاً يك دسته از تراکمه جعفر بائی زیر حد قریه کرد محله چهار فرسخی مغربی

يك بلوك گاو ميش و يك نفر چوپان را گرفته بردند. نصف گاو ميش را مسترد داشته چوپان رابه خاك اترك مي برند. حسب الامر ايالت حسن خان تركمان چوپان را مجازات داده آوردند.

### درباب حكومت

نواب والامعتمدالدوله براي جلوگيري از تراكمه امر نموده سردار اشرف به گوش تپه برود، تركمانها [را] نصيحت کرده به اغواء چند نفر عثمانیهای فراری شرارت نکنند. تاجه اقتضا کند.

### درباب خبر

هفدهم ماه سپتمبر خبر رسيديك عده از تراكمه به گنبد قابوس جمع شده چند نفر بالشويك از آنجا به گوكلان رفتند كه طایفند گوكلان را با جعفربائی آشتی داده باهم اتفاق نمایند. تاجه شود.

### درباب بالشويك

ايضاً خبر رسيد چند روز قبل هفت نفر بالشويك ترك بدون اسلحه وارد بندر جز [شده] منزل دموكراتيهها وارد گرديده به توسط ايشان بلدراه را گرفته متفرق شدند. چهار نفر به شاهرود و سه نفر به مازندران مي روند. كليۀ فرقه دموكرات بافرقه بالشويكها اتحاد مخصوصی دارند.

## نمره ۲۳

۲۵ ماه سپتمبر ۱۹۱۹

### درباب سرقت

بيستم ماه سپتمبر خبر رسيد تراكمه جعفربائی شش رأس مال مكاري را ازدو فرسخی مغربی چپاول کرده بردند.

### درباب غارت

ايضاً يك نفر محرر برای اداره نظمیۀ با عيال و دونفر مكاري عازم بندر جز بودند نزديکی قریه النګ سه فرسخی مغربی یازده نفر تركمان جعفربائی بسخو داشته تماماً را لخت کرده، سه رأس مال كه یکی متعلق به كربلائی علی خان كرمی بوده چپاول کردند.

### درباب استعفای حكومت

نواب والا به ملاحظه اغتشاش و انتريكات اهالی خصوصاً برای انتخاب وكيل

طبعاً منزجر از توقف در استرآباد شده استعفا می‌دهند. آقای رئیس‌الوزراء پذیرفته، سه‌روز است برای تغییر آب و هوا [ی] شهر با میرزاهادی به‌زیارت خاسته‌رودررفته‌اند.

### در باب چپاول

بیست‌ودویم ماه مذکور يك‌عده سوار طایفه ایلغی به‌قریه معصوم‌آباد یورش آورده يك بلوك‌گاو را چپاول می‌نمایند. يك نفر جوانی را مقتول [ساخته] اهالی قریه خبردار شده از تراکمه جلوگیری کرده گاوها را پس‌گرفته يك‌نفر ترکمان را تیرمی‌زنند.

### در باب تراکمه

روز مذکور سردار اشرف به‌اتفاق امیرامجد برای جلوگیری از تراکمه جعفربائی حسب‌الامر نواب والا عازم [شده]، لکن اطمینانی از تراکمه جعفربائی نداشته به‌اتفاق آقامیرزاهادی به‌طایفه اتابائی منزل پورحسن‌خان وارد می‌شوند. پیرمردان اتابائی را احضار کرده و رؤسای جعفربائی را هم خبر نموده، طایفه اتابائی تماماً حاضر شده، از جعفربائی يك‌نفر آمده بقیه جواب دادند که شرحی از طرف نواب والا به‌تراکمه جعفربائی پیغام داده مراجعت به‌شهر نمودند. محرك تراکمه چند نفر از اهالی استرآباد هستند که میل ندارند امنیت حاصل باشد. تاکنون باحکومت مساعدت داشتند. چون نواب والا برای انتخاب وکیل برضد خیالات تجارسلوک نموده‌اند لذا مشغول تخریب امورات حکومتی شده‌اند. درضمن منتشر نموده‌اند سرکرده‌های مازندرانی ده هزار تومان وجه برای تراکمه فرستاده شرارت نمایند و این مطلب قابل توجه نخواهد بود. به‌علت آنکه طایفه یموت تازمانی که سرنیزه را به‌چشم خود ندیده ابدأ اعتنائی به‌حکومت و پادشاه و غیره ندارند. ناچه‌شود.

### در باب بالشویکها

چند نفر بالشویک فراری که با اتومبیل از گموش‌تپه به‌گنبد قابوس رفته بودند مراجعت کرده به‌سمت حسینقلی عزیمت نمودند.

### در باب سرقت

شب ۲۵ ماه سپتمبر دزد طایفه اتابائی به‌قریه سعدآباد نیم‌فرسخی مغربی رفته دو رأس اسب سرقت کرده بردند.

## نمبر ۲۴۵

۶ ماه اکتبر ۱۹۱۹

### درباب چپاول

ایضاً تراکمه جعفربائی یک عده سوار به قریه امین آباد نیم مردان چهار فرسخی مغربی که سردار رفیع سه سال آبادی نموده چپاول [رفته] هفت نفر و بچه را اسیر کرده با اثاثیه رعیت را به غارت می برند. لکن قریه را رعیت تخلیه نموده متواری شده اند. نواب والا بندر جز تلگراف کرده تراکمه را جعفربائی را گرو نمایند.

### درباب قتل

ایضاً دونفر از اشرار قریه کرد محله که مدتها مشغول راهزنی و دزدی بوده اند حسین خان گماشته میرزا علی اکبر خان مأمور گرفتن ایشان می شود فرار می نمایند. یک نفر تیر زده مقتول [شده]، یک نفر دیگر را دستگیر نموده خدمت حکمران فرستادند. حسب الامر ایالت سارق را خدمت علما برده اقرار شرعی به معاصی و سرقت خود می نماید. بعد از ثبوت شرعی مصلوب شد.

### درباب تغیر ایالت

ایضاً مدتی است بین معتمدالدوله حکمران با سلطان حسین میرزا رئیس مالیه برای گرفتن حقوق دلتنگی حاصل شده بود. رئیس الوزراء هر مقداری وجهی برای حقوق ایالتی و سایر مأمورین حواله می کرد رئیس مالیه به سختی به ایشان می پرداخت، تا اینکه بر حسب حواله رئیس الوزراء ایالت هفتاد تومان برای چند نفر سوار که مستخدم کمیسیون گنبد قابوس می باشند حواله می نماید. نواب والا رئیس مالیه جواب می گوید که پول حاضر نداریم. ایالت متغیر گردیده شخصاً به اداره مالیه رفته امر به کشیدن رئیس مالیه [نموده] و توسری زیادی می زنند. روز بعد که دویم ماه اکتبر بوده باشد سالار اشرف میانجی شده بین ایالت بانواب رئیس مالیه حسب ظاهر به صلح انجامیده. تا چه اقتضا کند.

### درباب چپاول

دویم ماه مذکور خبر رسید چهار نفر ترکمان جعفربائی به قریه اترچال دوفرسخی مشرقی رفته دونفر رعیت را تیرزده مجروح و چهار رأس مال آنها را به غارت می برند. اهالی قریه تراکمه را تعاقب کرده فرار کردند. لکن دوسه نفر عرابدچی طایفه جعفربائی از شهر مراجعت نموده بودند. رعایای اترچال در یکمه مازو بدایشان بر خورده دونفر ترکمان مذکور را مقتول [کرده] و دورأس مال آنها را می برند. عجلتاً تراکمه جعفربائی یاغی و به قرب هزار سوار جمع شده مشغول تاخت و تاز می باشند. شرارت تراکمه تماماً به تحریک



تجار است که بر علیه معتمدالدوله حکمران رفتار نموده میل ندارند این شخص زیاده از این به استرآباد حکومت بنمایند.

## نمره ۲۵۵

۲۵ ماه اکتبر ۱۹۱۹

### درباب چپاول

شب ۸ اکتبر تراکمه قرقچی به قریه حسن آباد ملک می رود، دونفر شوپاگر را از سرزراعت شلتوک اسیر کرده بردند.

### درباب سرقت

ایضاً تراکمه اتابائی به فاصله پنج روز و پنج شب نود فرد گاوهای اهالی شهری را از بیرون دروازه چپاول کرده بردند. گاوها حالیه در آق دکش زیر گرگان دوفرسخی آق قلعه توقیف [است]. اهالی شهر به حکومت عارض شده چند مرتبه آدم فرستاده... ۱۵۹ طایفه مذکور کاغذ نوشته ابدأ اعتنائی نکرده و گاوها را هم نمی دهند.

### درباب چپاول

دوازدهم ماه مذکور سه نفر رعیت کرده محله و یساقی به طایفه بش اسقه چپاول رفته چهل و پنج رأس گاومیش تراکمه را چاپیده به کرده محله برده میرزا علی اکبرخان کلانتر گاومیش هارا ضبط [کرده] و به قریه لیوان فرستاده نگاه دارند. تاجه شود.

### درباب چپاول

عیال مرحوم آقاسید باقر سعدآبادی بایک نفر مکاری از بیلاق جهان نما مراجعت می نمایند توی گدوک صندوق دچار تراکمه گردیده ضعیفه را چوب و چند زخم کارد زده مال و اثاثیه که همراه داشتند می برند. مشارالیها به جهان نما برگشته مجدداً از راه شاهکوه به زیارت خاسته رود آمده وارد به شهر مشغول معالجه می باشد.

### درباب سرقت

ایضاً خبر رسید تراکمه طایفه داز سه رأس مال از قریه میرمحله سه فرسخی شرقی به سرقت بردند.

### درباب بندر جز

یکصد و پنجاه نفر قزاق مستخدم بندر جز می باشند. تراکمه جعفربائی از زیرحد

گلوگاه سه بلوک گوسفند را بالتکا حمل کرده به غارت می‌برند. در صورتیکه دوازده ساعت پانصد قدم فاصله تابندر لتکا توی آب لنگر انداخته قزاقها ابدأ اقدامی برای گرفتن واسترداد گوسفندان نکرده به سهولت تراکمه گوسفندان را بردند.

### درباب قتل و غارت

روز ۱۶ ماه اکتبر حسین نام پسر حاج الله قلی مالک سعدآباد نیم فرسخی مغربی علی‌الرسم به جهان نما بیلاق... ۱۱۰ با اهل و عیال خود مراجعت می‌نمایند. یازده نفر ترکمان جعفر بائی به سرداری آدینه محمد قصاب و حاجی کور در گدوک مزبور بسخو داشته، حسین نام را مقتول کرده بارها را انداخته سه رأس مال مکاری را چپاول کرده بردند. رعیت سعدآبادی يك نفر ترکمان جعفر بائی [را] از قریه قلعه محمود گرو می‌نمایند. حکومت به مساعدت تراکمه ترکمان را گرفته مرخص نمودند.

### درباب مازندران

حکومت ساری به موجب راپرت و خواهش معتمدالدوله حکمران استرآباد برای دستگیر کردن تراکمه جعفر بائی به اجازه رئیس‌الوزراء چهار عدد لتکا ۱۱۱ که تراکمه مشغول داد و ستد بوده زیر حد قره‌تپه و لیوان هشتیکه دستگیر کرده به توسط مازور فرج‌الله خان یاور ژاندارم ۱۱۲ به اشرف برده توقیف نمودند. به حکومت استرآباد اطلاع می‌دهد. تاجه اقتضا کند.

### درباب قوای استرآباد

چند روز قبل برای آمدن بالشویکها قزاقها مأمور بندر جز و اطراف دریا گردیده متدرجاً هریک به مأموریت مخصوصی رفتند. کلیه در استرآباد پنجاه نفر قزاق توقف داشته آن هم مریض بودند. به واسطه شرارت تراکمه و تشکی حکومت استرآباد برای انقلاب سرحدی رئیس‌الوزراء تلگراف می‌کند قشون برای مجازات تراکمه می‌فرستم. شب بیست و یکم ماه مذکور کلنل لاورییج فرمانده قزاق که چندی قبل به طهران رفته بودند و آدم خوش اخلاقی به نظر آمده به ریاست يك عده قزاق که برای استرآباد تصویب شده تلگرافاً به حکومت اطلاع داده، يك هفته دیگر عازم استرآباد می‌باشند. حکمران به رؤسا و تجار مژده می‌دهند عماقرب برای مجازات تراکمه يك قوای خیلی بزرگی خواهد رسید به ریاست کلنل لاورییج که با ما ایرانیها همراه است. نواب والا مجلس تغزیه در این دهه دویم عاشورا در عمارت آقامحمدخانی منعقد داشته مذاکرات مفصلی بعد از ختم روضه خوانی گردیده، چند نفری که سابقاً خود را هواداران عثمانی و دولت

۱۱۰ - يك كلمه ناخوانا.

۱۱۱ - اصل: لتکه.

۱۱۲ - ظاهراً سیهد فرج‌الله آقاولی است.

آلمان می‌دانستند نطق نموده، پانزده هزار نفوس استرآباد شب و روز از خدای خود استقلال دولت را خواهانند که به دست غیر توی سری نخورده معیت نمایند. دست اجانب و فلان فرنگی که ضدیت با مال و خاک مادارد کوتاه کرده گول حرفهای پولتیکی که باعث نقصان آب و خاک مامی باشد نخوریم و امیدواریم این دشمن قوی پنجه پولتیکی که مانند مار خوش خط و خال هستند مثل دولت روس منهدم و پایمال [و] مانند فرعون غرق ۱۱۳ دریای نیل ببینیم و استدعا داریم که دولت ما با قوه شخصی خود این تراکمه را مجازات داده و به مساعدت غیر مفتخر نباشند که باعث اضمحلال دولت ایران خواهد بود. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۲۶

دهم ماه نوامبر ۱۹۱۹

### در باب تقاص

سه ماه قبل تراکمه قرقچی يك نفر از سران طایفه داز را به قتل رسانیده بودند، لهذا برادر مقتول در کمین بوده ۲۴ ماه اکتبر شهر آمده شب توقف کرده، قاتل برای امری به شهر می‌آید. مراجعت بیرون دروازه او را تفنگ زده تقاص می‌کند. تیر به ترکمان کارگر نشده خوب می‌شود.

### در باب قتل

داودخان سلطان قزاق يك نفر زن فاحشه را از طهران آورده برای خدمتگزاری و خودش چند روز است با عده‌ای قزاق به گنبد قابوس رفته بودند. سیدریحان الله نویسنده اداره قزاقخانه با اینکه حسب ظاهر آدم معقول بود عرق زیادی خورده سه ساعت از شب گذشته می‌رود به خانه داودخان به خیال زن خدمتکار. قزاق قراول مخبر شده به خیال اینکه ترکمان است دیوار را خراب نموده با «ششکه» چند زخم به سر و گردن مشارالیه زده قزاقها خبردار شده آمدند. سیدمنشی را به منزلش برده به فاصله بیست و چهار ساعت فوت شد.

### در باب اعلان

ایضاً از طرف اداره مالیه برای مستغلات ۱۱۴ استرآباد اعلانی بازار چسبانیده روز بیست و هشتم ماه مذکور اهالی داکا کین را بسته اجماعی نمودند. از قرار معلوم محرك آقارمضانعلی وکیلالتجار بوده که ظاهراً اهالی [را] متفرق کرده بعد به منزل رئیس

۱۱۳- اصل. عرق.

۱۱۴- اصل: مستغلات.

مالیه رفته بایشان ساختگی کرده املاك آنها [را] صرف نظر نمایند.

### درباب یونانیها

ایضا خبر رسید یکصد نفر زن و مرد یونانی که در خاک سرخس ساکن و کسب معیشت داشتند، به واسطه صدمات بالشویکها جلای وطن کرده از راه قوچان وارد به شاهرود [شده] و از راه هزارجریب بندر جز رفته به اوطان اصلی خود می‌روند.

### درباب ورود

سی‌ام ماه اکتبر یکصد و دوازده نفر قزاق از راه شاهرود وارد استراباد گردیده و حسب الامر وزارت مالیه رئیس مالیه استراباد مشغول تعمیرات ابنیه دولتی می‌باشند که برای ورود قزاق منزل حاضر باشد. تاجه اقتضا کند.

### درباب تراکمه

به سبب شرارت و هرزگی طایفه جعفربائی حسب الامر آقای رئیس الوزراء امر به توقیف لتکاهای تراکمه و دستگیر شدن آنها در خاک مازندران و گیلان گردیده، به قرب سی‌چهل لتکای آنها را در مشهد سر و بندرهای دیگر دستگیر نموده‌اند. فرار خبر واصله هیچ‌کس از تراکمه در ساری از گرسنگی و عمدی تلف شده‌اند. به قرب سی‌هزار تومان سایرین که تمول داشته به اداره ژاندارم داده مرخص شدند. از قرار خبر ثانوی دو نفر از معروفین و تجار گموش تپه دستگیر هستند. سی‌هزار تومان هم برای آن دو نفر مطالبه دارند. قضات و خوانین جعفربائی چند عریضه خدمت نواب والا معتمدالدوله فرستاده‌اند و خیال دارند اموال منهوبه [را] که تازه از استراباد برده شده مسترد بدارند. لکن اشخاصی که اموال منهوبه غارتی در ید ایشان است بکلی یاغی [شده] اعتنائی به حرف قضات و خوانین ندارند.

### درباب قتل

سیم ماه نوامبر خبر رسید دو نفر تراکمه داز رعیت شمس آبادی را لخت کرده مال او را می‌برند. چند نفر پیاده تفنگچی به تراکمه دزد برخوردند تزاغی می‌نمایند و دو نفر ترکمان مقتول شد. اسامی اینها کمینلکیک نفس ۱۱۵ طایفه یقه بودند.

### درباب چپاول

شب هفتم ماه مذکور بیست و شش نفر پیاده تفنگچی هشت نفر سوار ازدهات حول وحوش ۱۱۶ شهر به طایفه قرنجیک که واقع است بین اتابائی و جعفربائی می‌روند. هزار

۱۱۵- این دو اسم بهمین شکل ضبط شده است و شناخته نشد.

۱۱۶- اصل: حول و هوش.

و پانصد رأس گوسفند چپاول کرده آوردند. تاجه شود.

### درباب قتل

اراز دلی نام ترکمان آق که پارسال از طایفه خود پسر کلتیبای را به قتل رسانیده بود بدجعفربائی رفته یاغی گری می کرد هشتم ماه نوامبر خبر رسید کسان مقتول محرك [شده] یکصد تومان وجه بديك نفر ترکمان شبان داده او را به عنوان گاو مسروقه توی اتابائی آورده غفلتاً بدقتل رسانیده جمعی از شرارت او آسوده شدند.

### نمره ۲۷۵

۱۷ نوامبر ۱۹۱۹

### درباب تعمیرات

اصطبل توپخانه مدتها مخروبه بوده توپخانه را هم که قشون روس ویران و خراب کرده بودند حسب الامر وزارت جنگ به ریاست مالیه امر شد تمام عمارات و بناهای دیوانی را تعمیر نمایند. فوراً چند نفر بنا گذارده مشغول هستند. کلیه از بابت تعمیرات معادل ده ۱۱۷ هزار تومان برای سلطان حسین میرزا رئیس مالیه اجازه صرف تعمیرات داده اند.

### درباب منشویکها

دو نفر ترکمان از خیوق می آمدند اظهار داشتند يك دسته منشویکها نزدیکی خیوق بابالشویکها تراع می کردند منشویکها شترهای تراکمه [را] برای حمل بنه خواسته بودند، ترکمانها شترها را نداده شبانه فرار کرده ده فرسخ به سمت خاک ایران کوچ کردند.

### درباب ورود

چهاردهم ماه نوامبر میرزا علی اکبر خان کلانتر کرد محله به حکمران خبر می دهد کلنل لاوربیچ با چهارصد نفر قزاق پیاده و صد رأس اسب و دو عراده توپ بزرگ و چند عدد توپ «میترا یوز» با قورخانه و مهمات جنگی وارد بندر جز گردیده، لکن حمل توپهای بزرگ از راه بندر جز خالی از اشکال نخواهد بود.

### درباب قزاقها

به دستور العمل کلنل لاوربیچ يك عده قزاق که یکصد نفر از راه شاهرود وارد شده است روز شانزدهم ماه مذکور از راه یکممازو به جعفربائی از آنجا به قراسواستقبال

می‌روند.

### درباب عقاید تراکمه

مدتی است از طرف ایالت انتشار داده شده مهمات جنگی با سه هزار سوار قزاق و ژاندارم به مأموریت استرآباد برای مجازات تراکمه خواهند آمد. لکن به عقاید طایفه یموت کلیه علناً صحبت می‌دارند و می‌گویند در استقلال دولت روس خیلی می‌ترسیدیم و حالیه از شر آنها آسوده شدیم. لکن این حرفها که منتشر می‌شود فلان عده قزاق با ژاندارم می‌آید، اگر برای اهالی شهر و اطراف شهر می‌آیند به ماها رجوعی نیست و الا باید این عده در صحرا آمده با ماها کار داشته باشند. چون اسم این قشون ایرانی است سی هزار قشون ژاندارم بیاید نمی‌ترسیم و از این اردوها خیلی دیده‌ایم. لکن از يك نفر می‌ترسیم. هر آینه دولت فخمه انگلیس يك «بالان» ۱۱۸ و دو فرد اتومبیل جنگی بفرستند تراکمه تماماً تسلیم [می‌شوند] و آنچه را بفرمایند... ۱۱۹ است. تاجه شود.

### درباب ورود

روز هفدهم ماه نوامبر کلنل لاورینج با چهارصد نفر پیاده و سواره قزاق و شصت بارمهمات جنگی و غیره از کردمحلله وارد به شهر گردیدند.

## نمره ۲۸۵

غره ماه دسمبر ۱۹۱۹

### درباب تراکمه

طایفه جعفربائی برای گرفتن عده‌ای از تجار و لتکای تجارتی آنها را در بنادر مازندران و گیلان بعضی که آشوب طلب نبوده با حکومت استرآباد اظهار ارادت و نوکری رادارند. سایر آنها که مردمان مزدور و یاغی هستند با سایر ایلات تراکمه برای چپاول و قتل و غارت و عقیده بالشویکی رادارند. از طرف بالشویکها هم پیغامی داده شده و همدیگر را محرک هستند. تاجه اقتضا کند.

### درباب محبوسین

یکصد و هیجده نفر تراکمه جعفربائی به عنوان تجارت بالتکا و مال التجاره دچار قشون مازندران گردیده مبلغ گزافی به حکومت ورژسای ژاندارم می‌دهند. اولیای مازندران به رئیس الوزراء پیشنهاد نموده‌اند که يك عده از تراکمه محبوسین رعیت روسی

۱۱۸ - (= بالون).

۱۱۹ - يك كلمه ناخوانا. (ظاهراً: مجرا)

بوده و تذکره دارند. از طهران به کارگذاری استرآباد امر شده است برای رسیدگی به اتفاق منشی قونسول روس بندر جز بروند. روز بیستم ماه نوامبر آصف‌الملک کارگذار به اتفاق میرزا جعفرخان منشی بندر جز رفته مشغول تحقیقات می‌باشند. لکن خیلی عجب است دولت روس کلیه برهم خورده و ملوک الطوائف شده و خود پناهنده به غیر می‌شوند. اولیای دولت ایران تراکمه را که رعیت مخصوص ایران است به تبعیت روس قرار می‌دهند. علت چیست معلوم است، گرفتن وجه. رشوه از تراکمه می‌خواهند. به این عبارت آنها را مستخلص نمایند.

### درباب سرقت

شب ۲۵ نوامبر ترکمان اتابائی توی شهر دو رأس [اسب و] چند فرد گاو سرقت نموده بردند.

### درباب خبر

بیست و هفتم ایضاً خبر رسید بادکوبه اغتشاش کلی رخ داده. بین دولت قفقاز و بالشویکها زدو خوردی شده است و قدغن کرده مسافرین راهم راه نمی‌دهند. از قرار خبر واصله بندر جز شش هزار قشون دولت فخمه وارد باکودبه شده است. تا چه اقتضا کند.

### درباب مالیه

اداره نواقل در استرآباد دائر شده. گرفتن وجه نواقل معلوم نیست مخارج کجا خواهد شد. مدت چهارماه است فقط یک خیابان شرقی دیوانخانه را تعمیر می‌نمایند. دروازه‌ها کلیه خراب و ویران است. کوچه‌های شهر به واسطه کثافات ۱۲۰ و خرابی و ریختن خاکروبه و مضاف ۱۲۱ بودن آنها باعث تولید امراض مختلفه خواهد بود. چیزی که اداره مالیه داشته زیاد کرده است اجزاء و گرفتن مالیات من غیر رسم که تریک ست از مرغهای خانه‌ها مالیات بگیرند. سه روز است که مستغلات توی شهر را ثبت کرده خانواری ازدهات برای سوار وجوه موجودی را ایضاً جمع نموده لابدأ از گاو و گوسفندان مالیات خواهند گرفت. هر قدر که بر مالیات افزوده می‌شود عده اجزاء مالیه هم مطابق بودجه زیاد می‌شود. آوردن چهارصد نفر قزاق به عنوان مجازات تراکمه حسب ظاهر است. باطناً برای دایر کردن مالیات غیر مستقیم است، والا از چهارصد نفر قزاق ترکمانها که نمی‌ترسند، اولیای امورهم مقصود گرفتن حقوق است که هر یک ماهیانه موجب کزاف و فوق‌العاده هم دارند. تا چه اقتضا کند.

### درباب دعوت

نواب والا معتمدالدوله برای تشویق صاحب منصبان قزاقخانه روز ۲۸ نوامبر چهار صد نفر قزاق و صاحب منصبان را دعوت فاهار نموده اظهار رضایت مندی از ایشان می نمایند.

### درباب تفنگ

چندی است تفنگهای سیستم مختلف پنج تیره روسی و آلمانی و اطریشی و فرانسه و عثمانی و غیره از قیمت تنزل کرده بیست تومان اضافه نمی خریدند. لکن ده تیر انگلیسی را که اوایل صد تومان فروخته بودند حالیه پنجاه تومان می فروشند. فشنگ ده تیره را صد تیر سه تومان است.

## نمره ۲۹

۱۱ دسمبر ۱۹۱۹

### درباب مفتش

قریه میرمحلّه سه فرسخی مشرقی متعلق به مرحوم عباس خان بیگلریگی بوده، ناصرالدین شاه مرحوم اوایل سلطنت خود ضبط و جزو خالصه نموده مرحوم سیف الملک سپهسالار مال قریه را که نهصد و یک خروار بود از دولت به قیمت سهلی می خرید. بعد از چندی به حاج حسین آقا امین الضرب شصت و پنج هزار تومان می فروشند. به تصویب مجلس دارالشوراکه خالصه جات را ضبط ۱۲۲ کرده همه ساله برای مباشرین حاج حسین آقا زحمتی از طرف اداره مالیه وارد می آید، تا اینکه از طرف وزارت مالیه حسن آقا فلاح زاده پسر مشهدی کاظم آقا صراف مأمور تفتیش خالصه جات مازندران برای رسیدگی قریه میرمحلّه به استرآباد آمده با معاون مالیه و مؤیدالوزاره نماینده حاج حسین آقا به قریه مذکور می روند. چون مستأجرین سابق بدسبب اجحافات بدرعایا قریه را ویران و خراب نموده محصول هذه السنه را پانصد خروار بازدید نمودند که یکصد خروار موضوعات و مباشرین برداشت کرده، چهارصد خروار می ماند. نصف متعلق است بدولت و نصف دیگر عایدی حاج حسین آقا است. سیصد تومان پراکان راه فلاح زاده برای ایاب و ذهاب و چهارصد تومان تعارف از گماشته حاج حسین آقا گرفته تصدیق نمایند. تاچه اقتضا کند.

### درباب تسطیح زمین

کلنل لاوریج از حکومت ده جریب زمین را بیرون دروازه بسطام که مربع باشد برای ورود «بالان» ۱۲۲ خواسته است. حسب الامر حکومت جنوبی شهر زمین را معین

۱۲۲- اصل: ضبت.

۱۲۳- (=بالون).



کرده به توسط ابوالقاسم خان کلاتر بنوک رعایای اطراف آنجا را پاك و مسطح می نمایند. تاچه اقتضا کند.

### درباب گنبد قابوس

چهار ماه سپتمبر یکصد نفر قزاق با صاحب منصب از راه فندرسك برای نمایش تراکمه به گنبد قابوس رفته اند. تاچه شود.

### درباب اخراج

عزت الله خان سالار شرف با حسین خان مشهور بدفرنگی که نایب و مترجم بوده از اداره خارج شده به طهران رفتند.

### درباب بارندگی

دوماه است استرآباد باران نیامده. اراضی خشک و رعایا ابدأ تخم در زمین نریخته. این چند روزه اگر بارانی نیاید برای سال آتی جو و گندم نخواهد بود. تاچه خواهد بود.

### درباب حمل اسلحه

ماژور فرج الله خان ژاندارم تفنگهای مازندران را بکلی جمع کرده، از طرف وزارت جنگ امر شد چهل قبضه تفنگ و رندل کوتاه برای اداره نظمیه فرستادند. مجدداً برای یکصد نفر سرباز مستخدم استرآباد امر شد یکصد قبضه دیگر بدهند. به تعویب لواء الدوا و حکم وزیر جنگ احمدخان سرهنگ دأ مور است که هشتم ماه دسمبر به ساری رفته تفنگهای مذکور را برای سربازهای استرآباد حمل نمایند.

### درباب جعفر بائی

به عرض رفته بود کار گزار برای رسیدگی تراکمه که اشتباهاً تبعه روس بوده بندر جز رفته بودند. حسن خان ترکمان با چند نفر برای اصلاح بین حکومت و تراکمه همراه کار گزار به شهر آمده بودند مذاکراتی با شاهزاده حکمران نموده قرار شد آنچه اموال غارت شده که در حکومت نواب والا برده اند تماماً را مسترد داشته و عهده بگیرند که بعدها خلافی نکنند. نهم ماه دسمبر به اطمینان نواب والا کار گزار به اتفاق سردار اشرف و آقا میرزا مهدی مجتهد و تراکمه بدکردم حله رفته باقضات و خوانین جعفر بائی قرار اصلاحی را بگذارند. تاچه اقتضا کند.

## نمره ۳۵۵

۱۸ ماه دسمبر ۱۹۱۹

### درباب ورود

صارم نظام از طرف وزارت مالیه بدست مفتش اداره و سرکاری عملجات بنائی دیوانخانه وارد استرآباد شدند.

### درباب نواقل

شرحی را سابقاً از بی‌مبالائی ۱۲۴ و هرج و مرج اداره نواقل بدعرض رسانیده، اعلانی از طرف اداره مذکور در معابر و گذرها چسبانیده، خرج و دخل نواقل را معین می‌دارد. بدقرب شش‌ماه است نواقل دایر [شده] و ماهیانه کمتر از ششصدتومان عاید نشده است که تاکنون دوهزار و ششصد تومان خواهد بود. دویستتومان تعمیرات خیابان جنب دیوانخانه گردیده. هشتاد تومان به‌عنوان وجه آبله‌کوبی طهران فرستاده شده. شانزده تومان هم در صندوق موجودی دارند. بقیه عایدات حقوق اجزاء شده که جمع آن دوهزار و سیصد و خرده می‌باشد. حسب‌الامر ایالت جلیله آقا رمضانعلی و کیل‌التجار در امورات نواقل نظارت دارند که رسیدگی نموده خرابیها و پل شکسته‌های شهر را تعمیر نمایند. تاچه شود.

### درباب تغییر رئیس عدلیه

حاج محسن‌خان رئیس عدلیه دوسال است دراسترآباد مأموریت داشته برای تصرفات حکومت در امورات عدلیه وعدم پیشرفت کارها مشارالیه بهطهران شاکی شده. چهاردهم دسمبر وزارت عدلیه تلگرافاً امر نموده ریاست عدلیه سمنان و دامغان و فیروزکوه به‌عهده شما است. به‌فوریت حرکت نمائید. معزیه‌الیه امورات عدلیه را به حاج‌شیخ غلامحسین و حاج شیخ علی اجزاء عدلیه واگذار کرده عزیمت به‌شاه‌رود نمودند. از قرار مذکور نواب فتح‌الله میرزا مأمور عدلیه استرآباد است.

### درباب قتل

پانزدهم ماه دسمبر دونفر رعیت مهترکلاته چهارفرسخی مغربی با ارباب خود تمارض کرده به‌قریه آزاد محله آمده ساکن می‌شوند. شب اول که به‌قریه مذکور توقف داشته تراکمه جعفربائی دزدی آمده هر دونفر را تیرزده یکی مقتول، دیگری مشرف به موت است.

### درباب میاندره

یوسف برادر وکیلالتجار به قریه میاندره مباشرت داشته، دودانگ قریه متعلق است به سادات مفیدی، دودانگ دیگر متعلق است به طایفه حلال خوریها [که] دربار فروش ساکنند. سه ربع آن ملکی وکیلالتجار است. یکدانگ ربعی را هم اجاره دارد. شیخ ابوالقاسم مجتهد قریه چون با سادات مفیدی معیت دارد از طرف وکیلالتجار امر رفته برادرش آخوند را چوب مفصلی زدند. آخوند مذکور سرپا برهنه به شهر می آید. جمعی از سادات به حمایت آخوند قریه خدمت معتمدالدوله رفته تظلم می نمایند. حکمران [برای] مراعات با افعال وکیلالتجار جواب داده می فرستم میاندره رسیدگی شود. هرآینه برادر وکیلالتجار تقصیر کرده باشد مجازات می نمایم.

### درباب تراکمه

دوسال است بین طایفه قجق و اتابائی نزاع است. اتصالاً اموال و مواشی یکدیگر را چاپیده و آدم می کشند. طایفه قجق در سنه ماضیه چهار صدرأس مادیان خانه زاد طایفه اتابائی را می چاپند. هفدهم ماه دسمبر خبر رسید تراکمه چاروای اتابائی سی خانه آقاولی زیر حد رودگران منعقد نموده خیال دارند چند نفر پیرمردهای خودشان را فرستاده طایفه قجق مادیانها و مواشی آنها را مسترد بدارند. هرآینه مواشی را ندهند خیلی سخت بین اتابائی و قجق حادث خواهد شد. تاجه شود.

## نمر ۱۵

۲۹ ماه جنواری ۱۹۲۵

### درباب تراکمه

آصف الملك کار گزار برای اصلاح تراکمه به کرد محله رفته بودند، از آنجا به جعفر بائی و خوجه نفس و گموش تپه می روند. باقضات و ریش سفیدان جعفر بائی مذاکره اصلاح [نمودند]. در ضمن [از] صد سوار ترکمان بازدید کرده قرار شد مراجعت به شهر نموده به اتفاق معتمدالدوله حکمران باریس الوزراء مذاکراتی کرده قراردادی بدهند. روز بیستم دسمبر باده نفر سوار ترکمان به شهر آمده مشغول اصلاح است. از قرار معلوم صد نفر سوار را ریاست وزراء تصویب کرده است. تراکمه از دولت خواهش کرده آصف الملك حکومت آنها باشد. برای آمدوشد باشهری چون حکمران از اهالی و توابع اطمینان ندارد قول صریح به کار گزار نداده است. عقیده کار گزار این است در قراتپه سه فرسخی مغربی که حائل بین یموت و دهات است رفته به قرب دو ماه در آنجا توقف و صد نفر سوار هم از تراکمه تهیه کرده به این عنوان اصلاح شود. لاکن [به] عقیده تراکمه مذکور اشخاصی که در مشهدسر و انزلی توقیف بوده اسباب وحشت تراکمه شده بود. عجالاً

کسانی که در فشار توقیف بوده با عقاید آصف‌الملک تابع و مساعدت دارند، سایر طوایف ابدأ اعتنائی به اینگونه حرفها ندارند. تاچه اقتضا کند.

### در باب مفتش

ایضاً دو روز قبل يك نفر تاجر مسیحی از بار فروش به استرآباد وارد [شده] دوشب در منزل میرزا داود خان گرجی توقف [و] حکومت را ملاقات کرده، از وضع استرآباد و کارکنان دولت علیه و تعمیرات دیوانخانه استهزاجی حاصل کرده مراجعت کردند.

### در باب استخراج تعرفه‌ها

به عرض رسانیده بود بین حکومت و تجار برای انتخاب وکیل پارتنی بازی شده است. حکومت مردم را به اسم سردار منصور اغوا می نمودند. تاجر به اسم حاج حسین وکیل سابق که مدتی در اسلامبول فراراً رفته بود کار می کردند. تعرفه‌های جدید را که از طهران آورده بودند به توسط نظار به فندرسک و کتول و بلوک سدن رستاق و انزان توابع فرستاده هشت جعبه تعرفه را از یوم بیست و سیم ماه دسمبر در مسجد جامع استخراج نمودند. عجالتاً رأی به اسم حاج شیخ حسین گردیده. تاچه اقتضا کند.

### در باب میان‌دره

حسب الامر ایالت احمدخان سرهنگ برای تحقیقات در [باره] وکیل‌التجار و تظلم شیخ ابوالقاسم بدقریه مذکور می روند. یوسف نام برادر وکیل‌التجار تحریک کرده دم اسب احمدخان سرهنگ نوکر دولت را می برند. فحاشی می کند. جواب می گوید من برادر کسی هستم که حاکم تراش استرآباد است. بدون اجازه برادر من حکومت از طهران حرکت نمی کند. احمدخان سرهنگ حسب الامر با قزاقهای مأمور یوسف را با میرزا ابوالقاسم ملازمش باسی‌چهل رعایای میان‌دره تحت الحفظ به شهر آوردند. وقایع را به عرض ایالت رسانیده حضوراً چوب مختصری برادر وکیل‌التجار و میرزا ابوالقاسم را می زنند، در نظمی فرستاده حبس کردند. سه روز است کمیسیون مرکب از چند نفر به ریاست کنل لوریج و اعتمام الممالک و ریاست مالیه و معاون نظمی و مالیه تشکیل داده مشغول استنطاق اوضاع میان‌دره می باشند. تاچه اقتضا کند.

### در باب ورود

دو نفر صاحب منصب نظامی انگلیس از راه بندر جز وارد استرآباد میهمان کنل لوریج بودند. حکومت را ملاقات کرده روز بیست و هشتم ماه دسمبر مراجعت بندر جز نمودند.

# مخبرات استر اباد

۱۹۲۰

۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸ - ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۳۹



## نمبر ۲۵

۸ ماه جنواری ۱۹۴۵

### درباب سرقت

سایح ماه دسمبر دزد طایفه اتابائی دهفرد گاو از قریه جعفرآباد نیم فرسخی شمالی شهر سرقت نموده بردند.

### درباب فندرسک

غره ماه جنواری حسب الامر ایالت یک عده قزاق به فندرسک می روند، مطالبه مالیات دوساله از مهدی خان ایلیخانی می نمایند. مشارالیه جواب می دهد مالیات سنه ماضیه مربوطی به حکومت معتمدالدوله ندارد. مالیات امساله را حساب نمائید از محل دریافت می شود. باکمال بی اعتنائی از رامیان به سمت حاج لر حرکت کرده رفتند.

### درباب اصلاح

به عرض رسانیده بود آصف الملک کار گزار به معیت نواب معتمدالدوله خیال اصلاح باطایفه جعفربائی را دارند. حکمران به ملاحظاتی در این باب به ایشان مساعدت می نمایند. طهران چندی قبل مذاکره برای عدم کارگزاری استرآباد بوده. چون کاری ندارند. کار گزار هم لازم نیست، لذا قرار شد برای احترام وزارت خارجه عدلیه استرآباد را ضمیمه کارگزاری نمایند. عجالتاً چون کاری نیست می خواهند سرپرستی تراکمه جعفربائی را عهده بگیرند. قراردادی که به تصویب ایالت و امضای رئیس الوزراء با رؤسای طایفه جعفربائی شده است یکصد سوار ترکمان بدریاست کار گزار تهیه نمایند و حقوق این عده سوار را از بابت مالیات جعفربائی ترکمانها بدهند. برای آسودگی و رفع شرارت ترکمانها قرار شده است یکصد خانوار ترکمان در قره تپه زیر حد قریه حیدرآباد مغربی استرآباد واقع است، بین قراسو و شهر، اطراق نمایند. مالهای غارتی و سرقت شده را مسترد نمایند. لذا آصف الملک چهل نفر قزاق سواره و پیاده، یک عراده توپ میتراپوز یوم چهارم ماه جنواری حرکت به سمت حیدرآباد نموده قرار قطعی در این باب

بدهند. تاجه اقتضا کند.

### درباب سرقت

ایضاً خبر رسید دزد طایفه داز چهارفرد گاو از قریه آهنگر محله دوفرسخی مشرقی بدسرت بردند.

### درباب تراکمه

عده [ای] از تراکمه که در اثرای و مشهدسر توقیف بوده حسب الامر آقای رئیس الوزراء مرخص شده به اوطان خود مراجعت کردند.

### درباب ارزاق

چون بین طایفه جعفربائی با اهالی شهر جزئی التیامی گرفته، عرابدهای تراکمه مال التجاره حمل می نمایند. برنج از گیلان خریده چند عرابه بدشهر وارد کرده، قیمت برنج خیالی تنزل دارد. تاجه شود.

## نمره ۳۵

۱۵ ماه جنواری ۱۹۲۵

### درباب عثمان آخوند

معزی الیه دست از حرکات متهورانده ۱۲ خود نکشیده با بالشویکهای قزل آراک و شاه قدم ارسال مرسول [کرده] و همه روزه آنها را دعوت به استراکاد می نماید. از قرار مذکور قول صریح برای آمدن بالشویکها گرفته است و ثانیاً چندی است امنیت حاصل شده، کسبه شهری و تجارگموش تپه به گنبد قابوس برای کسب رفته اند. عثمان آخوند فرسناد، قراردادند از ماه جمادی الاولی گمرک از مال التجاره و صادرات آنجا را دریافت نمایند و گمرک آنجا ماهی یکصد و پنجاه تومان عایدات دارد.

### درباب تراکمه

بدعرض رفته بود آصف الماک برای اصلاح جعفربائی با عده [ای] قزاق حیدرآباد رفته اند. در ضمن به موجب تلگراف رئیس الوزراء مأموریت دیگر هم داشته است. چون بالشویکها محرك هستند تراکمه را بالشویک نمایند. کار گزار هم بر حسب حکم و دستور العمل رئیس الوزراء با خوانین و رؤسای جعفربائی به طور خوش مطلب را حالی نماید که عقیده بالشویکی را بدعهده بگیرند که تحریک خارج دارد و ضمناً خوانین



استرآباد بر علیه کار گزار معرك می شوند اموال و مواشی جعفر بائی را بدسرت برده کرده‌اند. بدنازگی یکمده و پنجاه فرد گامیش ترکمان را برده کشته‌اند و میل ندارند که اصلاح بشود. دهم ماه جنواری کار گزاری با عده‌ای قزاق مراجعت نموده با حکومت مذاکره است گامیشهای تفریط شده جعفر بائی نموده است. لکن برای حقوق یکمده سوار ترکمان طایفه جعفر بائی قبول نکرده‌اند بابت مالیات حقوق سوارها را بدهند. کار گزار مشغول مذاکره گردیده حقوق سوار مذکور را دولت قبول نموده ماه به ماه بدهند. لکن به سبب نزدیک شدن بالشویکها به طایفه تراکمه وحشت اهالی را فراهم نموده است. اگر چه کار گزار هم يك عده قشون با يك «بالان» ۱۲۶ از آقای رئیس الوزراء [و] نصرت الدوله خواهش نموده است، معجلا سفارت فخمیه اجازه بدهند از گیلان به استرآباد فرستاده شود. هر آینه يك «بالان» هم بدزودی به استرآباد بفرستند رفع شرارت ترکمانها خواهد شد. هر آینه كمك از طرف دولت بریطانیا به استرآباد نشود و بالشویکها به همدستی تراکمه وارد به گنبد قابوس بشوند کار استرآباد خیلی سخت خواهد شد. چون کلیه ترکمان منتظر يك مستمسك و بهانه می باشند که بنای شرارت و یاغی گری نمایند. امروزه کلیه طوایف یموت با عقیده عثمان آخوند همراهی دارند. تا چه اقتضا کند.

### درباب قزاقها

یکمده نفر قزاق که گنبد قابوس رفته بودند تراکمه قجق با هم قراردادی نموده قزاقها را خلع اسلحه نمایند. پیاده و سواره دویست نفر ترکمان به گنبد قابوس وارد می شوند. تجار جعفر بائی که مشغول کسب می باشند به ملاحظاتی به قزاقها خبر داده، روز دوازدهم جنواری فرار کرده از راه فندرسک به استرآباد آمدند.

### درباب میلاد مسیح

قونسول روس با دو سه نفر اجزاء ایرانی متوقف سال نورا مطابق با غره جنواری مطابقه عید فرانسه به طور اختصار عید گرفتند. کلنل لاوریچ شبانه حرکت نموده شب ۱۴ جنواری هفت ساعت از شب گذشته يك تیر توپ شلیک نموده و تفنگ زیادی خالی کردند که اسباب وحشت استرآباد گردیده است.

### درباب وکیل استرآباد

اعتبار نامه چه حاج شیخ حسین وکیل را نظار استرآباد امضاء کرده به توسط حکمران معتمد الدوله روز پانزدهم ماه مذکور به طهران ارسال شد.

## نمره ۴۰

۲۶ ماه جنواری ۱۹۲۰

## درباب تراکمه

تراکمه جعفربائی به عرض رسانیده بود به موجب قرارداد با آصف‌الملک دویست باب الاچیق وصل به جنگل حیدرآباد سه فرسخی مغربی منعقد و خوبان گموش تپه و خوجه نفس در آنجا ساکنند. ضمناً مال التجاره استرآبادی که حمل به گموش تپه می شود دو فرسخی شمالی سر پل حاج یک لک چند نفر مستحفظ گذارده از بارهای متفرقه باری یک قران، از چای باری یک تومان گمرک می گیرند و کلیه عقیده ایشان نداشتن هیزم بوده با کارگزار خدعه نموده اند، چون برای سوخت گموش تپه و خوجه نفس هر قدر زغال ۱۲۷ و هیزم لازم باشد باید از جنگل باغو بالتکا حمل نمایند. امسال برای شرارت خودشان متوحش شده نرفته اند. با کارگزار به عنوان اصلاح مذاکره نموده اند و عده ای از متمولین و اعیان تراکمه نزدیک جنگل آمده همدروزه با عرابه هیزم زیادی حمل می نمایند، و نیز زیر حد رود گرگان تعلیف\* مواشی این روزها بسیار سخت است. لذا سکونت در کناره جنگل از هر جهت برای مواشی و خودشان بهتر است. تا چه اقتضا کند.

## درباب کارگزار

مشارالیه برای اصلاح جعفربائی یک اندازه سعی و کوشش فوق العاده بی جهت را می نماید. با حکومت استرآباد دخل گزافی را تصور نموده که ترکمانها را به اسم آمدن قشون با «بالان» ترسانیده هر چه بخواهند از تراکمه بگیرند و چند نفر ترکمان جعفربائی را در توقیف دارد و مخارج آنها را می دهد که زمان رفتن به محراترد تراکمه خطرناک نبوده باشد و خوانین محلی هم در خارج تراکمه را محرك هستند که باعث خجالت و شرمساری مشارالیه فراهم شود. روز نوزدهم ماه جنواری به اتفاق یکصد و سی نفر قزاق و یک عراده توپ شصت تیره حرکت نموده بدقیه یساقی سه فرسخی مغربی رفته توقف می نماید که اسباب اذیت رعایا می شود و مشغول مذاکره برای استرداد اموال و مواشی غارت شده استرآبادی می باشند. تا چه اقتضا کند.

## درباب قتل

شب ۲۲ ماه جنواری خبر رسید یک نفر رعیت لمسکی ساکن یک فرسخی مغربی را توی قریه تفنگ می زنند. مقتول از قرار معلوم به تحریک سردار اشرف و آقا هادی می باشد که بدنامی آصف‌الملک را فراهم نماید.

### درباب قزاقها

بدقرب يك ماه است عده‌ای قزاقها که از طهران آمده بی‌اندازه شرارت و بدسلوکی با اهالی شهر می‌نمایند. اولاً بارهای... ۱۲۸ یا کاه که پنج‌قران قیمت دارد جلو دروازه بارهای کلش را عنفاً برده دوقران بدمباحش می‌دهند. سایر ملزومات به‌همین طریق است. ثانیاً شب و روز مست توی کوچدها عربده و فحاشی [می‌کنند] و سرزده داخل خانه‌های مردم گردیده و بدون سبب بهانه‌جویی کرده با کسبه بازار نزاع و مردم را می‌زنند. تاجه اقتضا کند.

### درباب اعتدال هوای استرآباد

بدواسطه باریدن دوسه باران نافع هوای استرآباد الحق بسیار مطلوب شده و خیلی معتدل، علف برای مواشی روئیده مانند بهار. برنج هم تنزل دارد؛ گرده هفت تومان و نیم، صدری دوازده تومان. باعث تنزل برنج در استرآباد حمل برنج گیلان است که تراکمه جعفربائی وارد می‌نمایند. گندم ولایتی پنج‌تومان، جو سه تومان و دوهزار، روغن چهارتومان و پنج‌هزار، نخط ده یوط ده تومان است.

## نمره ۵

نهم ماه فروری ۱۹۳۰

### درباب تعرفه برای تراکمه

بدعرض رفته بود کارگزار با عده‌ای قزاق بدقریه یساقی وارد می‌شود. از ترکمانها اطمینان نکرده به‌سحرا می‌روند. مقاصد خود را به‌توسط قاصد پیغام داده، بیست و هفتم ماه جنواری برای انتخابات وکیل تراکمه چهارهزار اوراق تعرفه به‌توسط پست واصل شده. حکمران تعرفه‌ها را فوراً به‌توسط غلام ترکمان برای آصف‌الملک می‌فرستد و ضمناً کاغذی نوشته‌اند به اسم سپهدار اعظم رأی بدهند. مطلب را تجار مخبر شده قبل از وقت تراکمه جعفربائی را اخبار کرده بودند که به‌عقیده معتمدالدوله رأی ندهید. ایلات ترکمان از گوکلان الی انتهای خاک جعفربائی متحد شده وکیل خود را از جعفربائی معین نمایند. آصف‌الملک چند نفر قضات و سران جعفربائی را در یساقی احضار کرده که تعرفه‌ها را به‌اسم سردار منعمور سپهدار بنویسند. قضات مراجعت نموده با تراکمه مذاکرات، بعد جوابی تراکمه به‌آصف‌الملک نوشتند که ما از خود وکیل معین خواهیم کرد، ابدأ سپهدار اعظم را نمی‌شناسیم. و از بابت استرداد اموال غارت شده هم جواب نمودند به‌این لفظ معادل بیست هزار تومان اهالی استرآباد اموال و مواشی ما را غارت کرده،

تراکمه عوض مالهای خود تقاضا کرده‌اند. کار گزار غره ماه فرواری قزاقها را در یساقی گذارده تعرضاً به شهر آمدند. حکمران کمیسیونی تشکیل داده که تعرفه‌ها را به گنبد قابوس و چند نفر اجزاء شخصی و یکصد نفر قزاق مسافرت به گنبد قابوس [برود]. گنبد قابوس و چند نفر اجزاء شخصی و یکصد نفر قزاق مسافرت به گنبد قابوس، از راه از راه فندرسک رفتند که به دستگیری مهدی خان ایلخانی تراکمه را در گنبد اخبار [کرده] شاید تعرفه‌ها را بداسم سپهدار رأی بگیرند. نواب معتمدالدوله در این باب اقدامی دارند. از قرار مذکور عثمان آخوند در گنبد مشغول حکمرانی و اقدامات می‌باشند. تا چه اقتضا کند.

### درباب حکومت

نواب معتمدالدوله مبتلا به مرض سل می‌باشند و هم‌روزه کسالت مزاج دارند. تلگرافاً از آقا، وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء دو ماهه اجازه خواسته به طهران بروند که معالجه نمایند.

### درباب قزاقها

عده‌ای قزاق در یساقی توقف داشته به عنوان مأموریت خراسان مراجعت به شهر نمودند. تاجه اقتضا کند.

### درباب قونسول

معزی‌الیه با خانمش و یک نفر نایب در قونسلخانه می‌باشند. دو نفر غلام سابق به عنوان پیشخدمتی و یک نفر منشی قدیمی و یک نفر آشپز، یک نفر کلفت روسی، جواهرات آنچه داشتند به‌روز ایام فروختند. حال به توسط کلفت خود با صاحب‌منصبان قزاقها دوستی دارند، بعضی از مبالغه‌های دولتی را که در بیست سال وارد نموده‌اند محرمانه دو ساعت از شب گذشته به مصرف فروش می‌رسانند.

## نمره ۶۵

۱۲ ماه فرواری ۱۹۲۵

### درباب ورود

شاهزاده فتح‌الله میرزا به ریاست عدلیه استرآباد روز هشتم ماه فرواری وارد شد. به فاصله دو روز چند اعلان در معابر و درب‌ادارات دولتی چسبانیده: از حکومت و غیره کسی حق مداخله در امر حقوق ندارند، مطالب را به حکومت جلیله راپرت می‌دهند. روز هشتم ماه مذکور معتمدالدوله رئیس عدلیه را احضار و تغییر زیادی به مشارالیه

نمودند. نواب مذکور تاگرافخانه رفته به وزارت عدلیه شکایت می نماید. تا چه شود.

### در باب انتخابات

حسب الامر ایالت آصف‌الملک با اعتصام‌الممالک به گنبد قابوس رفتند. سردار اشرف را امر کرده بایک نفر میرزای کابینه حکومت به طایفه اتابائی رفته تعرفه بدهند. ساعد لشکر جدید راهم امر نموده به طایفه داز رفته به اسم سپهدار رأی بگیرند. تا چه شود.

### در باب خرید ناقوس

به عرض رسانیده بود کلیسای گنبد قابوس را که خراب کردند زنگ را تراکمه حمل به گموش تپه نموده چهارده تومان فروختند. اوایل محرم تراکمه زنگ را با عرابه بدشهر حمل می نمایند. اهالی محله میدان به توسط حاج عیسی چهل تومان زنگ را خریده. وزن ناقوس بیست و هفت پوط، بیست و هشت گریوان بوده. اهالی زنجیری ساخته زنگ را به درخت چناری آویزان کرده در دهه عاشورا شبها و روزها اتصالاً زنگ می زدند، تا اینکه قونسول روس خواهش از حکومت نموده زبان زنگ را برداشتند. کلنل لاورییچ از آقامیرزا مهدی مجتهد محله میدان خواهش خریدن زنگ را می نماید. چند روز قبل شخصاً کلنل به منزل آقامیرزا مهدی مجتهد رفته زنگ را به دو بیست تومان وجه نقد می خردند. روز یازدهم فرواری زنگ را با احترام زیادی روی عرابه گذارده با چهل نفر قزاق، دو صاحب منصب و دو بیرق از راه جعفربائی به قراسو می فرستند که با پراخوت حمل به طهران بشود. تراکمه جعفربائی برای سه نفر ترکمان که در منزل آصف‌الملک حبس نظر می باشند دلتنگ بوده منتظر وقت بودند. قزاقهای حامل زنگ نزدیکی طایفه بش اسقه رسیده به توسط خوانین تراکمه راپرت مطلب را داشتن قزاقها را محاصره کرده سه نفر مقتول شد، بقیه امان آمده تماماً رایراق چین نموده حبس کردند. شبانه به کلنل لاورییچ راپرت می دهند. روز دوازدهم امر کرده در عوض تراکمه جعفربائی تراکمه اتابائی راگرو نمایند و تراکمه اتابائی هم ابداً به شهر نیامده، صبح زود نواب معتمدالدوله یک نفر سوار ترکمان را برای تعیین خبر فرستاده، مقارن ظهر مراجعت نموده اظهار داشت تراکمه جعفربائی می گویند آدمهای ما در کارگزاری حبس هستند. یا خسارات ما زندان و مال التجاره و هزاروپانصد گوسفند غارتی و گاومیشهای ما را بدهید قزاقها را می دهیم. کلنل لاورییچ عدهای قزاق که در شهر بوده به قراسو فرستادند وعده ما زندان را احضار کرده با عده بندر جز در قراسو جمع شده به تراکمه جنگ نمایند. تا چه اقتضا کند.

## نمره ۷۵

۱۹ ماه فرواری ۱۹۴۵

## درباب بالشویکها

سیزدهم ماه فرواری خبر رسید بالشویکها کراسنودسکی را تصرف کرده، سی و شش نفر منشویک بایک صاحب منصب روسی فراراً به عشوراده وارد [شده] سیزده نفر از این عده با صاحب منصب مذکور بندر جز وارد [شده] اسلحه خود را به اداره قزاقخانه داده صاحب منصب را به استرآباد می فرستند. تاچه اقتضا کند.

## درباب احضار

روز مذکور بد حکمران اطلاع می دهند چون نه نفر از سران طایفه جعفر بائی در منزل کار گزار حبس می باشند عقیده تراکمه کلیه گرفتن کار گزار است. از صحرا خبر رسیده دویست نفر سوار جمع شده به سمت گنبد قابوس می روند شاید مشارالیه را دستگیر نمایند. فوراً دو نفر قزاق به فندرسک روانه داشته کار گزار [را] با عده قزاق مراجعت بدهند و ایشان هم از ترس تاکنون از رامیان خارج نشده اند. تاچه اقتضا کند.

## درباب قتل

چهاردهم ماه فرواری یک نفر ترکمان طایفه داز را در قریه جعفر آباد ملک سه فرسخی مشرقی به قتل رسانیده، یک قبضه تفنگ پنج تیره بایک رأس مال و یک بار آرد اورا به غارت بردند.

## درباب قزاقها

به امر کلنل لاورییچ یک [عده] قزاق بد سمت قراسو می روند که تهیه اردو بشود. بین راه در قریه یساقی توقف می نمایند. شبانه ترکمانها مخبر شده یورش به قریه آورده شاید قزاقها از ده خارج بشوند، ابدأ از توی منزلهای رعیتی بیرون نرفته و رعیت را فرستاده با تراکمه نزاع نمایند. چون اهالی استرآباد کلیه از قزاق و ژاندارم دلخوش نمی باشند و محرمانه با تراکمه معیت دارند و گرفتن چهل نفر قزاق که شش نفر آنها عریان فرار کرده اند از قرار مذکور به تحریک سردار اشرف می باشد، روز شانزدهم عده قزاق مذکور از یساقی به شهر مراجعت نمودند. تاچه شود.

## درباب استعفا

شب هفدهم فرواری بر حسب استعفای نواب معتمد الدوله حکمران به مقام ریاست وزراء به واسطه مرض مطلق<sup>۱۲۹</sup> که در وجود نواب مذکور عارض شده اجازه رفتن

۱۲۹- کذا، کلمه درست نیست. «مطلبه» صحیح است. بعلاوه پیش ازین ذکر «سل» کرده بود.

بدنظران حاصل [و] کفایت حکومتی را به سردار اشرف واگذار [کرده‌اند].

### درباب ختم آقای صدر

بدموجب تلگرافات عدیده از مجتهدین طهران برای فوت مرحوم آقای صدرنجفی اعلی‌الله مقامه اهالی استرآباد در سده‌جابه ختم‌گذارده [با] احترامات فوق‌العاده [و] قهوه، جای و قلیان از مردم پذیرائی ۱۲۰ می‌نمودند.

### درباب کارگزار

بر حسب احضار ایالت کارگزار با عده‌ای قزاق که برای انتخاب وکیل تراکمه رفته مایوسانه مراجعت نمودند.

### درباب سرقت

در این سه چهار یوم که قزاقها دستگیر شده‌اند یک نوع اغتشاش و انقلابی توی شهر و اطراف روی کارآمده است چهارپنج دکان توی بازار را به فاصله دوشب شکافته به قرب هشتصد تومان به سرقت بردند.

## نمره ۸۵

۲۶ ماه فروری ۱۹۲۵

### درباب سرقت

شب بیست و یکم فروری هفت نفر ترکمان اتابائی بدشهرآمده دورأس اسب میرزا داودخان گرجی را از توی باغ دیوار را شکافته وارد به منزلش شده، اسبهارا بایک دست زین به سرقت بردند. بعد از سه روز بدتوسط آقاخان امیرامجد پنجاه تومان وجه انعام به سارقین داده اسبها را آوردند.

### درباب سرقت

ایضاً تراکمه مذکور شب بیست و سیم برای دستبرد قزاق توی شهرآمده قزاقهای قراول سارقین را تا بیرون شهر تعاقب کرده چند تیر تفنگ شلیک نموده رفتند. مجدداً اواخر شب از دروازه فوجرد توی شهر داخل شده یک رأس اسب گماشته رئیس مالیه را از توی خانه سرقت کرده بردند.